

آزادی مطبوعات و طبقه‌ی کارگر

در مکزیک کمپینی بر علیه مطبوعات ارتجاعی در حال توسعه است. کمپین توسط رهبران (کنفدراسیون کارگران مکزیک) و یا دقیق‌تر بگویم، توسط آقای **Lombardo Toledano** شخصاً هدایت شده است. هدف "محدود کردن" مطبوعات ارتجاعیست، با برقراری ساتسور بر آن‌ها و یا با ممنوع نمودن بطور کامل آن‌ها. اتحادیه‌های کارگری وارد مسیر جنگ شده‌اند. دموکرات‌های قطعاً علاج‌ناپذیر، تماماً فاسد شده توسط تجارب خود با مسکو کاملاً استالینیستی، به رهبری "دوستان" GPU خود، از این کمپین که تنها می‌توان آن را به مثابه یک خودکشی قلمداد نمود، استقبال نموده‌اند. در واقع دشوار نیست که این را دید، حتی اگر این مبارزه به پیروزی و بدست آوردن نتایج ملموسی به میل **Lombardo Toledano** منجر شود، عواقب نهایی آن خطری برای طبقه‌ی کارگر دربر خواهد داشت.

تنوری، و همچنین تجربه‌ی تاریخی، شهادت می‌دهند که ایجاد کردن هرگونه محدودیتی برای دموکراسی در جامعه‌ی بورژوازی، در نهایت بر علیه پرولتاریا هدایت می‌شود، همانگونه که مالیات‌ها در نهایت بر دوش پرولتاریا قرار می‌گیرند. دموکراسی بورژوازی توسط پرولتاریا فقط تا جایی قابل استفاده است که راه را برای توسعه‌ی مبارزه‌ی طبقاتی باز نماید. در نتیجه، هر "رهبر" کارگری که دولت بورژوازی را با ابزارهای ویژه‌ای برای کنترل افکار عمومی به طور اعم، و مطبوعات را به طور اخص مسلح

می‌نماید، یک خائن است. بدین ترتیب در تجزیه و تحلیل نهایی، برجسته شدن مبارزه‌ی طبقاتی همه‌ی اقشار بورژوازی را مجبور به وضع معاهده‌ی می‌نماید: پذیرش قوانین خاص، و هر نوع اقدامات محدود کننده، و اقدامات سانسورکننده "دموکراتیک" بر ضد طبقه‌ی کارگر. کسانی که هنوز این موضوع را درک ننموده اند، باید صفوف طبقه‌ی کارگر را ترک نمایند.

"اما گاهی اوقات" - برخی از "دوستان" اتحاد جماهیر شوروی اعتراض می‌کنند - "دیکتاتوری پرولتاریا مجبور می‌شود متوسل به اقداماتی استثنائی، بخصوص در مقابله با مطبوعات ارتجاعی شود".

به این ما پاسخ می‌گوییم: اول، این اعتراض دولت کارگری را مترادف با دولت بورژوازی می‌کند. اگرچه مکزیک یک کشور نیمه مستعمره است، در عین حال یک دولت بورژوازی است، و قطعاً دولتی کارگری نیست. اما حتی از نقطه نظر منافع دیکتاتوری پرولتاریا، ممنوعیت یا سانسور مطبوعات بورژوازی ابدانه یک موضوع "برنامه" یا یک "پرنسیپ"، و نه یک وضعیت ایده آل است.

پرولتاریا پس از پیروزی، ممکن است بطور اجباری در یک دوره‌ی زمانی برای مقابله با بورژوازی اقدامات خاصی را بکار ببندد، اگر بورژوازی علناً به عملیات براندازی بر علیه دولت کارگری اقدام نماید. در این حالت، محدودیت آزادی مطبوعات دست در دست با همه اقدامات دیگر آماده‌سازی برای جنگ داخلی اعمال خواهد شد. هنگامی که مجبور به استفاده از توپخانه و عملیات هوایی در برابر دشمن شویم ما به وضوح این دشمن را با مراکز اطلاعاتی و تبلیغاتی اش در داخل اردوگاه پرولتاریا مسلح تحمل نخواهیم کرد. با این حال، حتی در این مورد، اگر اقدامات استثنائی طولانی

شوند، طولانی به اندازه ای کافی که منجر به یک وضعیت دائمی شوند، سپس آن‌ها می‌توانند حامل خطری برای از دست دادن کنترل گشته، و به انحصار سیاسی بوروکراسی کارگری در آمده، و مبدل به منبعی در جهت انحطاط اش گردند.

ما در برابرمان نمونه‌ی زنده‌ی چنین نیروی محرکه ای را، با سرکوب نفرت آور آزادی بیان و مطبوعات در اتحاد جماهیر شوروی را داریم. و این هیچگونه ربطی به منافع دیکتاتوری پرولتاریا ندارد. برعکس، در برابر حملات کارگران و دهقانان مخالف، این کمک به محافظت منافع طبقه‌ی جدید در قدرت می‌کند. این بوروکراسی و افرانه بناپارتیستی مسکو است که در حال حاضر توسط آقایان Lombardo و شرکاء که منافع شخصی خود را با منافع سوسیالیزم اشتباه گرفته‌اند، به نمایش گذاشته شده است.

وظایف واقعی دولت کارگری نه در کنترل نمودن افکار عمومی، بلکه در آزاد نمودن آن‌ها از یوغ سرمایه‌داریست. این تنها با قرار دادن ابزار تولید - که شامل تولید اطلاعاتی است - در دست تمامیت جامعه عملی خواهد گردید. هنگامی که این گام ضروری به سوی سوسیالیزم برداشته شود، همه‌ی جریان‌های نظری که بر ضد دیکتاتوری پرولتاریا اسلحه بدست نگرفته‌اند، باید قادر باشند آزادانه افکار خود را بیان نمایند. این وظیفه‌ی دولت کارگری است که برای همه با توجه به اهمیت تعدادشان، ابزار ضروری فنی برای کارشان، چاپ نشریه، کاغذ، و وسیله حمل و نقل فراهم نماید. یکی از علل اصلی انحطاط دستگاه دولتی، انحصار گرایی مطبوعات توسط بوروکراسی استالینیستی است که ریسک می‌رود همه‌ی دستاوردهای انقلاب اکتبر را به توده ای از خرابه مبدل نماید.

اگر ما در پی یافتن نمونه‌هایی از نفوذ شنیع کمینترن در جنبش کارگری کشورهای مختلف می‌بودیم، کمپین واقعی به رهبری Lombardo و Toledano یکی از بدترین آن‌ها خواهد بود. اساساً Toledano و هم‌راهان عقیدتی‌اش سعی دارند که متدها و ابزارهایی را به یک نظام دموکراتیک بورژوایی معرفی نمایند، که در شرایط خاصی، تحت دیکتاتوری پرولتاری ممکن است که اجتناب ناپذیر باشند. علاوه بر این، آن‌ها در حقیقت این روش را نه از دیکتاتوری پرولتاریا، بلکه از غاصبان بناپارتیستی به وام گرفته‌اند. به عبارت دیگر، آن‌ها دموکراسی بورژوایی در حال حاضر بیمار را با ویروس بوروکراسی منحل‌آلوده کرده‌اند.

دموکراسی بی‌خون و رمق مکزیکی با خطری روزانه، ثابت، و کشنده، از دو جهت مواجه است: اول با امپریالیزم خارجی و، دوم، با عوامل ارتجاع در داخل کشور، که کنترل انتشارات با حجم بالا را در دست دارند. اما فقط آن‌هایی که نابینا یا ساده‌پندارند می‌توانند فکر کنند که با توقیف مطبوعات ارتجاعی است که کارگران و دهقانان می‌توانند از ایده‌های ارتجاعی‌رها گردند. در واقع این فقط، وسیع‌ترین آزادی بیان است، که می‌تواند شرایطی مساعد برای پیشرفت جنبش انقلابی در طبقه‌ی کارگر را بوجود آورد.

به راه اندازی یک نبرد بی‌امان بر علیه مطبوعات ارتجاعی ضروری است. اما کارگران نمی‌توانند کاری را که باید خودشان از طریق سازمان‌های خود و مطبوعات خود به تنهایی به سرانجام برسانند، در کف دست دولت سرکوبگر بورژوایی رها نمایند. امروز ممکن است به نظر رسد که دولت روش خوبی نسبت به سازمان‌های کارگری داشته باشد. فردا ناگزیراً ممکن است سقوط نماید، و به دست ارتجاعی‌ترین عناصر بورژوازی بیافتد. در این

صورت قوانین موجود سرکوبگرانه بر علیه کارگران مورد استفاده قرار خواهند گرفت. تنها ماجراجویانی که به هیچ چیزی دیگری بجز نیازهای لحظه‌ای ایشان فکر نمی‌کنند کوتاهی می‌کنند که از خود در برابر چنین خطری محافظت نمایند.

کارآمدترین راه مبارزه با مطبوعات بورژوایی، این است که مطبوعات کارگری توسعه بیابند. البته، نشریه‌های زردی به مانند **El Popular**، قادر به انجام چنین وظیفه‌ای نیستند. نشریه‌هایی اینچنین در میان مطبوعات کارگری، مطبوعات انقلابی، و یا حتی مطبوعات بورژوایی که از شهرت خوبی برخوردار هستند، جایی ندارند. **El Popular**، در خدمت جاه‌طلبی‌های شخصی آقای **Toledano**، است که خود در واقع خدمتگزار بوروکراسی استالینیستی است. روش اش: دروغ، افترا، شکار ساحره، و این قبیل چیزها روش‌های **Toledano** هستند. نشریه‌ی او نه برنامه‌ای دارد و نه ایده‌ای. بدیهی است که چنین کارتی نه می‌تواند یک ضربه‌ی ظنین‌انداز تاری در طبقه‌ی کارگر بشود، و نه می‌تواند آن‌ها را از مطبوعات بورژوایی باز بستاند.

بنابراین ما به این نتیجه اجتناب‌ناپذیر می‌رسیم که مبارزه مابین مطبوعات بورژوایی، با اخراج رهبران منحط از سازمان‌های کارگری و به طور اخص با آزادی مطبوعات کارگری تحت قیمومیت **Toledano** و دیگر حرفه‌گران بورژوایی آغاز خواهد گردید. پرولتاریا مکزیک، نیاز به مطبوعاتی صادقانه دارد که بتواند نیازهایش را بیان نماید، از منافعش دفاع نماید، افق دیدش را گسترش دهد و راه را برای انقلاب سوسیالیستی در مکزیک هموار نماید. این همان چیزی است که **CLAVE** در نظر دارد که انجام دهد. بنابراین، ما

با اعلام یک جنگ بی‌امان بر علیه مقاصد بنپارتیستی Toledano آغاز می‌کنیم. در این تلاش، ما امید به حمایت همه‌ی کارگران پیشرفته، و همچنین مارکسیست‌ها و آزادیخواهان موثق داریم.

لئون تروتسکی

اوت 1938

<http://www.marxists.org/archive/trotsky/1938/08/press.htm>

منبع: سرمقاله‌ی اولین شماره‌ی مجله‌ی مارکسیستی مکزیکی Clave است، که در اکتبر ۱۹۳۸ منتشر گردید. نسخه‌ی اصلی نوشته شده توسط تروتسکی، حدوداً در سال ۱۹۷۷ در آرشیو تروتسکی در دانشگاه هاروارد یافته شده است.

[مقاله] از ترجمه‌های فرانسوی و یونانی، برای آرشیو اینترنت تروتسکی در سال ۱۹۹۸ ترجمه شده است. ترجمه به طور مستقیم از زبان اسپانیایی را می‌توان در صفحه ۴۱۷ نوشته‌های ۱۹۳۷-۱۹۳۸ لئون تروتسکی، پیدا نمود.

مترجم: ژاله سهند

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل نشر کارگری سوسیالیستی: nashrKargarSocialisti@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آنری